

شهرداری برای رفع مشکل شیب نامناسب عیدگاه ۶ وارد گود می شود

آخر شهریور، پایان آب گرفتگی

هم قدم

رانندگان ماشین ها بگوئیم از این کوچه عبور نکنند. علی... دادی می گوید: کسبه این محله خواستار رفع این مشکل پیش از آغاز فصل بارش هستند.

محمد سالاری، از ساکنان قدیمی محله که تردد زیادی در این کوچه دارد، درباره این مشکل می گوید: یک روز که باران شدید بود، داخل مغازه خشکبار فروشی آب جمع شده بود و صاحب مغازه از ترس خیس شدن اجناسش، آن ها را جابه جایی کرد.

● مناسب سازی عیدگاه ۶ تا آخر شهریور

رئیس اداره فنی و عمران، در خصوص رفع مشکل معبر «عیدگاه ۶» گفت: کوچه های قدیمی بافت پیرامونی حرم مطهر، به دلیل احداث و اصلاح معابر اصلی و ساخت و سازهای متراکم، دچار نشست های موضعی و افتادگی سطح شده اند که کوچه عیدگاه ۶ نیز از این موضوع مستثنی نیست. ایمن خندان افزود: این نشست ها موجب بروز اختلال در شیب بندی طولی و عرضی معبر شده است؛ به منظور هدایت صحیح آب های سطحی و ارتقای کیفیت تردد، عملیات بهسازی و اجرای آسفالت سرتاسری این معبر در دستور کار قرار گرفته است و تا پایان شهریور ماه اجرایی خواهد شد. همچنین در همین بازه زمانی، عملیات لای روبی و احیای چاه های جذبی جهت تقویت ظرفیت دفع آب های سطحی انجام می شود تا پیش از آغاز فصل بارش، مشکل تردد و آب گرفتگی احتمالی برای کسبه و ساکنان این محدوده مرتفع گردد.

بی تأثیر نیست و نیاز به لای روبی دارد.

● آب باران تا اتاق های مسافر خانه رسید

علی... دادی، سال هاست تصدیی مسافر خانه ای در عیدگاه ۶ بوده و پس از هر بارندگی با این مشکل دست و پنجه نرم کرده است. او تعریف می کند: چند سال قبل، قسمت جلو مسافر خانه را برای پروژه ای کنده بودند، اما بعد از اتمام کار، بی توجه به شیب بندی، روی آن را پوشاندند و لکه گیری کردند. الان طوری شده که انگار شیب کوچه به سمت مسافر خانه است. وی ادامه می دهد: نمی دانم مشکل از کجاست؛ شاید نفوذ ناپذیری چاه هم در این قضیه دخیل است. پارسال موقع بارندگی، چند بار آب به داخل مسافر خانه زد و تا اتاق هایمان پیش رفت.

او اضافه می کند: در این مواقع با حرکت لاستیک خودروها در خیابان، آب با سرعت بیشتری پیش می رود و ما هم نمی توانیم به

زهرامه پورا با آنکه هوای بارانی لذت بخش است و نوید سالی پر خیر و برکت را می دهد، گاهی ممکن است معضل جدیدی به مشکلات شهری بیفزاید. بارش باران، کسبه عیدگاه ۶ را نگران می کند. به گفته آنان، شیب نامناسب سطح آسفالت و گرفتگی چاه ها موجب می شود هنگام بارندگی، آب به داخل مغازه ها کشیده شود. از سوی دیگر، از آنجاکه عیدگاه ۶ یکی از محله های پرت تردد منتهی به حرم است، این مشکل، رفت و آمد شهروندان و زائران را نیز با اختلال مواجه می کند.

● لکه گیری مشکل را حل نکرد

علی اصغر علی زاده، یکی از کسبه قدیمی محله پایین خیابان، درباره آب گرفتگی کوچه می گوید: وقتی باران های شدیدی می بارد، با چالش های زیادی روبه رو هستیم. شیب خیابان به سمت مغازه هاست و با حرکت چرخ خودروهایی که از کوچه عبور می کنند، مقدار زیادی آب به داخل مغازه ها نفوذ می کند. وقتی هم عابر پیاده از این کوچه عبور می کند، آب حاصل از حرکت خودروه ها به سروریشان پاشیده می شود. علی زاده ادامه می دهد: چند ماه پیش، این مشکل را پیگیری کردیم که بعد از آن، چند لکه گیری در کوچه صورت گرفت. از آن به بعد، تا حدی مشکل جلو مغازه ما برطرف شد، اما این معضل برای بقیه کسبه کوچه همچنان پررنگ است. بارندگی شدید، کوچه را در آب غوطه وری می کند و آب به داخل مغازه ها کشیده می شود. او در ادامه می گوید: با این اوضاع، کسبه ترجیح می دهند باران که نعمت بزرگ الهی است، بند بیاید. به عقیده او، مکش چاه نیز در این موضوع



فروشنده سیار محله پایین خیابان، به عشق امام هشتم، بیک بازاری های اطراف حرم شد

خدمت روی سه چرخه



راه تجربه

بازارهای کوچک پر سه بزند و آنچه زائران نیاز دارند را برایشان مهیا کنند.

او تبدیل شده به دست فروشی چرخ دار که سبد

سه چرخه اش را از اجناس خرده ریز پرمی کند؛ از کش و بندو زیپ و سوزن و نخ و برس و شانه گرفته تا چسب، ریسمان، آینه کوچک، بند ساعت و هر چه که یک مغازه دار اطراف حرم ممکن است در طول روز به آن نیاز پیدا کند. محمد آقا حالا بیشتر از ۱۶ سال است با دو چرخه اش از این مغازه به آن مغازه می چرخد و جنسی را که کاسب کم دارد، به دستش می رساند. او می گوید: بعضی از این مغازه دارها خودشان فرصت ندارند از مغازه بیرون بیایند، من برایشان حکم پیک محله را دارم. این روزها محمد آقا را خیلی از کاسبان اطراف حرم می شناسند و این ارتباط روزانه، او را به چهره های آشنا و مورد اعتماد قدیمی های بازار تبدیل کرده است.

● روزی دست خداست، برکتش از امام رضا^(ع)

محمد آقا هر روز صبح باتوکل بر خدا، وسایلش را در سبد سه چرخه اش می چنبد و به سراغ مشتری هایش می رود؛ همان مغازه هایی که در اطراف حرم هستند. او که هنگام رکاب زدن بر روی سه چرخه قدیمی اش، شعرهای قدیمی را با صدایی که خیلی هم رسا نیست، می خواند، می گوید: کار کردن در همسایگی امام رضا^(ع) برکت خاص خودش را دارد. همین که هر روز از کنار حرم در می شوم و به کاسبان همسایه حرم خدمت می کنم، برایم مایه افتخار است. او این برکت را نه در پول، که در نگاه گرم مغازه دارها و دعای خیر آن ها هنگام

زهراسحاقی آفتاب یکی دو ساعتی است که بیرون زده و عطر چمن های خیس خورده بوستان کوچک سراج، فضا را پر کرده است. مغازه های خیابان وحدت یکی در میان باز است و رهگذران در رفت و آمدند که ناگهان پیرمردی دو چرخه سوار تو جهمان را جلب می کند. به نظر می رسد او که با سلیقه، وسایلش را در سبد جلوی دو چرخه چیده، همان محمد آقا معروف بازار است که قبل از کاسبان، خودش را به بازارچه های اطراف حرم می رساند و خرده وسایل مورد نیازشان را به دستشان می رساند تا به اصطلاح جنسشان جور باشد.

● سه چرخه ای با برکت

محمد غلامی ۶۳ سال دارد و سال هاست پانچراهای پایین خیابان، برای دیگران نجاری کرده است. نجاری، هنری بود که از جوانی آموخته و با همان دست های پینه بسته، نه تنها چوب را شکل می داد، بلکه زندگی اش را هم روی همان رنده واره بنا کرده است. او می گوید: اوایل زندگی ام در محله ساختمان، با خانه ای اجاره ای شروع به کار کردم تا اینکه کم کم بچه ها به دنیا آمدند و بزرگ شدند. غلامی که دود خنک و دود پسر دارد، توانسته سه تا از آن ها را با همان شغل نجاری به خانه بخت بفرستد و بعد به پیشنهاد دختر ته تغاری اش، از نجاری دست کشیده، خانه اش را آورده در یکی از کوچه های قدیمی پایین خیابان و با سه چرخه اش شروع کرده است به دست فروشی. بعد از مدتی هم باید رفت و آمد زائران در بازارهای اطراف حرم، دلش خواسته روزی اش را از امام رضا^(ع) بگیرد، نیت کرده است در

خرید جنس می بیند. گاهی یک بسته کوچک نخی یا یک دکمه، آن قدر به موقع به دست کاسب می رسد که باعث لبخند او می شود و محمد آقا این رابطه ترین پاداش کارش می داند. از آقا محمد درباره درآمدش که می پرسیم، می گوید: روزی دست خداست. گاهی در یک روز هیچ فروشی ندارم و گاهی غیر از مغازه دارها، زائران هم از من خرید می کنند. شکر خدا زندگی ام به برکت امام رضا^(ع) می گذرد. او حتی سختی های کارش در زمستان و تابستان را دوست دارد، برف و سرمای که گاهی او را خانه نشین کرده یا گرمایی که طاقتش را برده و یکی دو ساعت بیشتر نتوانسته کار کند. محمد آقا که در ابتدا با یک کوله پشتی اجناسش را به در مغازه های می برد، با خریدن سه چرخه سعی کرده هم بدنش را سالم و سرپا نگه دارد و هم لقمه ای نان حلال به دست بیاورد. خودش می خندد و می گوید: این سه چرخه پاهایم را جوان نگه داشته، وگرنه شصت و سه سالگی وقت نشستن روی صندلی راحتی نام، نه رکاب زدن. علاوه بر این کار، محمد آقا اداره کننده هیئتی به نام «خادم الرضا^(ع)» است که ۲۵ سال قدمت دارد و هر پنجشنبه، جلسه قرآن، سخنرانی و مداحی در خانه اش برگزار می شود. محمد آقا می گوید: این تنها نذر زندگی ام برای امام رضا^(ع) است و تا زنده ام پایبندش خواهم بود.